



The Method and Tendency of Ayatollah Mohammad Hadi Ma'refat in the Book *Al-Tafsir Al-Athari Al-Jame'*

Saeed Bahmani¹

Received: 11/07/2021

Accepted: 22/02/2022

Abstract

Shiite and Sunni scholars have authored numerous narrative interpretations of the Qur'an. One of the narrative interpretations in the present era is the book *Al-Tafsir Al-Athari Al-Jame'* written by the late Ayatollah Mohammad Hadi Ma'refat. This interpretation can be examined in several aspects: One of these aspects is the author's method in this interpretation. His method is composed of elements such as imaginary principles (concepts), affirmative principles (assumptions), and mechanisms and processes. In this study, only the mentioned elements are explained. First, the interpretive assumptions of Ayatollah Ma'refat are dealt with in two topics: imaginary principles (concepts) and affirmative principles (assumptions). Imaginary principles are explained in the form of seven concepts and affirmative principles in the form of fourteen assumptions. The next section focuses on the methods of removing harm in the book. He mentions five methods for removing harm in the book and explains two methods. Then, in a threefold process, the method of finding the meaning of the verses is stated in the book *Al-Tafsir Al-Athari Al-Jame'*. In the third section, the tendency of interpretation is explained through statistical analysis and examination of titles. Based on the analysis of 738 titles, the interpretive tendency of Ayatollah Ma'refat is moral, jurisprudential and then theological and based on Qur'anic sciences, respectively.

Keywords

Ayatollah Ma'refat, Tafsir al-Athari, assumptions, method, tendency.

1. Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy, Research Center for Qur'anic Culture and Sciences, Qom. Iran. Isca.ac.ir@s.bahmani.

* Bahmani, S. (1400 AP). The Method and Tendency of Ayatollah Mohammad Hadi Ma'refat in the Book *Al-Tafsir Al-Athari Al-Jame'*. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 3(9), pp. 74-104.

Doi: 10.22081 / jqss. 2022. 61395.1122.

أسلوب آية الله محمد هادي معرفت ومسلكه في التفسير الأثري الجامع

سعيد بهمني^١

تاريخ الاستلام: ٢٠٢١ / ٠٧ / ١١ تاريخ القبول: ٢٠٢٢ / ٠٢ / ٢٢

الملخص

هناك العديد من التفاسير الروائية التي ألفها العلماء والمفكرون من الشيعة وأهل السنة. وأحد هذه التفاسير الروائية في عصرنا الحالي هو كتاب التفسير الأثري الجامع الذي ألفه المرحوم آية الله الشيخ محمد هادي معرفت. وهذا التفسير يستحق البحث من عدة جهات، وإحدى هذه الجهات هي طريقة المؤلف في هذا التفسير، حيث يتكوّن أسلوبه من بعض العناصر التي منها المبادئ التصورية (المفاهيم) والتصديقية (المفروضات) والآليات والمراحل العملية. والمقالة الحالية تقتصر على البحث في العناصر المذكورة، وتبدأ ببيان الفرضيات التفسيرية لآية الله معرفت ضمن مبحثين هما المبادئ التصورية (المفاهيم) والمبادئ التصديقية (المفروضات)، حيث نتطرق لبيان المبادئ التصورية من خلال سبعة مفاهيم والمبادئ التصديقية من خلال أربعة عشر مفروضاً. والقسم الآخر من المقالة يتطرق لبيان أساليب وقاية التفسير الأثري من نقاط الضعف، حيث يذكر خمسة أساليب من أساليب الوقاية تلك ويقوم بشرح وتوضيح اثنين

١. مساعد أستاذ في المركز العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، معهد الثقافة والمعارف القرآنية. قم، إيران.
s.bahmani@isca.ac.ir

* بهمني، سعيد. (١٤٤٣). أسلوب آية الله محمد هادي معرفت ومسلكه في التفسير الأثري الجامع. مجلة دراسات في العلوم القرآنية (فصلية علمية - محكمة)، ٣(٩)، صص ٧٤ - ١٠٤.

منها. ثمّ نتطرّق المقالة إلى كيفية الوصول إلى معاني الآيات في التفسير الأثري الجامع من خلال عمليةٍ تتضمّن ثلاث مراحل. أمّا القسم الثالث فيختصّ ببيان المسلك التفسيري عن طريق المراجعة والتحليل الإحصائي لعناوين المطالب، حيث يظهر من تحليل ٧٣٨ عنواناً أنّ المسلك التفسيري لآية الله معرفت هو مسلك أخلاقي وفقهي ثمّ كلامي وعلوم قرآني على الترتيب.

المفردات المفتاحية

آية الله معرفت، التفسير الأثري، المفروضات، الأسلوب، المسلك.



روش و گرایش آیت‌الله محمدهادی معرفت در التفسیر الأثری الجامع

سعید بهمنی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

چکیده

تفسیر روایی متعددی به قلم دانشمندان شیعه و اهل سنت تألیف شده‌اند. یکی از تفسیرهای روایی در عصر کنونی، کتاب التفسیر الاثری الجامع تألیف مرحوم آیت‌الله محمدهادی معرفت است. این تفسیر از جهاتی قابل بررسی است: یکی از این جهات، روش مؤلف در این تفسیر است. روش ایشان از عناصری تشکیل یافته است؛ مانند مبادی تصویری (مفاهیم) و تصدیقیه (مفروضات) و سازوکارها و فرایندها. در این مقاله تنها عناصر یادشده تبیین می‌گردد. ابتدا پیش‌فرض‌های تفسیری آیت‌الله معرفت در دو مبحث مبادی تصویری (مفاهیم) و مبادی تصدیقیه (مفروضات) بیان می‌شود. مبادی تصویری در قالب هفت مفهوم و مبادی تصدیقیه در قالب چهارده مفروض تبیین شده است. در بخش بعدی روش‌های آسیب‌زدایی از تفسیر اثری بیان می‌گردد. ایشان پنج روش برای آسیب‌زدایی از تفسیر اثری نام می‌برد و دو روش را توضیح می‌دهد. سپس در فرایندی سه‌گانه روش دستیابی به معنای آیات در التفسیر الاثری الجامع بیان می‌شود. در قسمت سوم گرایش تفسیر از طریق بررسی و تحلیل آماری عنوان‌های مطالب تبیین می‌شود. براساس تحلیل ۷۳۸ عنوان، گرایش تفسیری آیت‌الله معرفت به ترتیب اخلاقی، فقهی و سپس کلامی و علوم قرآنی است.

کلیدواژه‌ها

آیت‌الله معرفت، تفسیر الاثری، مفروضات، روش، گرایش.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، قم، ایران. s.bahmani@Isca.ac.ir

* بهمنی، سعید. (۱۴۰۰). روش و گرایش آیت‌الله محمدهادی معرفت در التفسیر الاثری الجامع. فصلنامه علمی -

ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۳(۹)، صص ۷۴-۱۰۴. Doi:10.22081/jqss. 2022. 61395.1122

مقدمه

دانشمندان شیعه و اهل سنت در تفسیر روایی، آثار متعددی تألیف کرده‌اند. روش آنها در این تفاسیر یکسان نیست. بر این اساس جا دارد روش آنها بررسی و نقد شود. مراد ما از روش تفسیر، مجموعه‌ای از عناصر نظری و کاربردی است که امکان دستیابی به معنی متن و بیان آن را رقم می‌زند. مفاهیم (مبادی تصویریه)، پیش‌فرض‌ها (مبادی تصدیقیه)، سازوکارها و فرایندها بخش‌های اصلی روش را شکل می‌دهند. یکی از تفاسیر روایی که در عصر حاضر تألیف گردیده، کتاب التفسیر الاثری الجامع تألیف مرحوم آیت‌الله محمدهادی معرفت است. متن کتاب به زبان عربی است و تا کنون شش جلد آن چاپ شده و پنج جلد آن به زبان فارسی ترجمه شده است. آیت‌الله معرفت کوشش خود در التفسیر الاثری الجامع را امتداد مسیری می‌داند که بزرگانی چون طبرسی (۵۴۸-۴۶۰) و طوسی (۳۸۵-۴۶۰) پیموده‌اند (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۷). هر دو تفسیر یادشده در زمره تفاسیر روایی اجتهادی دسته‌بندی می‌شوند. وی مباحث پیشاتفسیری را در ۲۴۸ صفحه سامان داده است. پس از مباحث یادشده تفسیر دو سوره حمد و بقره در پنج جلد سامان داده شده است. آیت‌الله معرفت مطالب مورد نظر خود در این تفسیر را در ذیل ۷۳۸ عنوان بیان کرده است. سؤال این است که این تفسیر چه پیش‌فرض‌های تصویری و تصدیقی داشته است و با چه روشی این تفسیر را نوشته است.

رویکرد این مقاله تبیینی است؛ بدین معنی که بر تبیین مفاهیم، پیش‌فرض‌ها، سازوکارها و فرایندهایی که آیت‌الله معرفت برای تفسیر قرآن کریم بیان می‌کند، متمرکز است؛ از این رو به هیچ وجه به نقد روش ایشان پرداخته نمی‌شود. بسا نکاتی در مطالب و داده‌ها به چشم می‌خورد که شایسته نقد است؛ چنان‌که آیت‌الله معرفت پنج روش برای آسیب‌زدایی تفسیر اثری نام می‌برد؛ ولی تنها درباره دو روش «عرضه روایات به قرآن» و «عرضه روایات به سنت» توضیح می‌دهد. همچنین به‌طور مکرر بر «عرضه روایات به عقل» تأکید می‌کند (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۳۰، ۴۸، ۱۲۳، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۱ و ...)؛ ولی چپستی عقل، چگونگی و سازوکار

آن را توضیح نمی‌دهد. عقل در بیان ایشان به اوصافی مانند «الرشید»، «السلیم»، «اللائح»، «الحکیم» توصیف شده است.

پیشینه

از آنجاکه آیت‌الله معرفت یکی از چهره‌های شاخص در حوزه تفسیر و علوم قرآنی در عصر ما است، پژوهشگران عرصه تفسیر و علوم قرآن به آثار و تألیفات ایشان نگاه ویژه دارند و آثار او را یکی از منابع تفسیری و علوم قرآنی می‌دانند. از این رو است که درباره کتاب التفسیر الاثری الجامع مقالات و پایان‌نامه‌هایی نوشته شده است، از قبیل: ۱. مقاله «روش‌شناس کتاب التفسیر الاثری الجامع» نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی چاپ‌شده در معرفت قرآنی (یادنگار آیت‌الله محمدهادی معرفت) جلد سوم. ۲. مقاله «روش آیت‌الله معرفت در التفسیر الاثری الجامع» نوشته طاهره رجایی فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال پانزدهم شماره ۳ (پیاپی ۶۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸). ۳. پایان‌نامه روش‌شناسی التفسیر الاثری الجامع از مصطفی محبوبی در دانشگاه کاشان در سال ۱۳۸۸. ۴. پایان‌نامه بررسی مبانی و روش تفسیر آیت‌الله معرفت در التفسیر الاثری الجامع از الهام جعفرمنش در دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی قم در سال ۱۳۸۸. ۵. پایان‌نامه تحلیل مبانی و روش‌های آیت‌الله معرفت در التفسیر الاثری الجامع، از زهره نورعلی‌زاده بلوکانی، در دانشگاه پردیس قم در سال ۱۳۹۰. با این حال جا دارد کتاب التفسیر الاثری الجامع از زوایای مختلف واکاوی شود.

۱. پیش‌فرض‌ها

بررسی پیش‌فرض‌های آیت‌الله معرفت سبب راهیابی به جهان معنایی وی در تفسیر قرآن کریم است. جهان معنایی مفسر مجموعه‌ای از مبادی تصویری و تصدیقی است که تعامل معرفتی وی با متن را به تصویر می‌کشد. پیش‌فرض‌ها خواه مبادی تصویری یا تصدیقیه در زمره شاکله‌های اساسی فهم و تفسیر هر مفسرند؛ به بیانی دیگر در مجموعه عناصر روشی، پیش‌فرض‌ها بنیادی‌ترین عناصرند.

۱-۱. مبادی تصویری (مفاهیم)

۱-۱-۱. تفسیر

تفسیر از «فَسْر» به معنی روشن و آشکار شدن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۴۷) و در اصطلاح عبارت است از اقدام برای یافتن معنی و کوشش برای برطرف ساختن خفا از وجه مشکل در آیات. با این بیان، مشخص می‌شود که تفسیر در جایی است که اشکال (ابهامی) لفظی یا معنوی در وجه آیه وجود داشته باشد؛ اشکالی که رفع آن نیازمند کوشش و توجه بیشتر مفسر با همه توانایی است (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۹؛ معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴).

۲-۱-۱. ظهر

مفهوم «ظهر» در برخی اخبار در مقابل «بطن» قرار گرفته است (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳). در دیدگاه آیت‌الله معرفت ظهر همان چیزی است که وضع و استعمال الفاظ به حسب ظاهر کلام، بر آن دلالت دارند (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۲۳).

۳-۱-۱. بطن

آیت‌الله معرفت با استناد به برخی روایات (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳) بطن آیه را در مقابل ظهر آن قرار داده است و با مفهوم بطن را با مفهوم تأویل در قرآن کریم یکسان می‌داند. او بطن را مطابق معنی چهارم از معانی چهارگانه تأویل می‌داند که عبارت است از مفهوم عام برگرفته از فحوای دلالت آیه‌ای که برای موردی خاص وارد شده است؛ زیرا «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد»؛ گستره لفظ معتبر است، نه خصوصیت مورد (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۲۳).

۴-۱-۱. تأویل

تأویل برگرفته از «أول» به معنی رجوع و دارای دو معنی اصطلاحی است: یکم: به معنی بازگرداندن متشابه اقوال (آل عمران: ۷) و اعمال (کهف: ۷۸) به وجه معقول و مقبول. این

معنا مختص باب متشابهات است. در این معنا، تأویل نوعی تفسیر است که افزون بر رفع ابهام از آیه، از آن دفع اشکال نیز می‌کند تا هم رفع باشد و هم دفع. تأویل در متشابهات توجیه متشابه به وجهی است که پذیرای عقل و شرع باشد. دوم: تبیین مفهوم عام پنهان در ورای پوشش لفظ که به لحاظ تنزیل خاص است. بیشتر آیاتی که برای مناسباتی خاص نازل شده‌اند، ظهور روشنی در همان مناسبات دارند که در ظاهر فراتر از آنها نیست. بسنده کردن به این ظهورات، رسالت قرآن در گستره زمان را عقیم می‌سازد و غیر از آن چیزی است که پیامبر بر ضرورت رهایی آیه از پوشش‌هایش تأکید کرده است و آیه باید دارای مفهومی عام و فراگیر برای همه اقوام و زمان‌ها باشد (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۰؛ معرفت، ۱۴۱۸ق، ص ۳۳؛ برای روایات نبوی ر.ک: صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۷؛ ابن‌عیاش، ۱۳۸۰ق، ص ۱۰). آیت‌الله معرفت بر معنی اصطلاحی دوم تأکید می‌کند. او در زمره افراد نادری است که می‌کوشد تأویل را ضابطه‌مند سازد. ایشان تأویل را مدلول التزامی کلام به لزوم غیرین می‌داند (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۳؛ همچنین ر.ک: مظفر، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۹) ضوابط تأویل عبارت‌اند از:

۱. به کارگیری سبب و تقسیم در حذف عناصر غیردخیل در هدف اصلی کلام؛
۲. دقت کامل در شناخت عناصر دخیل در مسیر کلام و عناصر غیردخیل؛
۳. وجود گواه بر صحت آن در نص یا ظاهر بدون معارض.

آیت‌الله معرفت در تبیین تأویل‌های ناموجه بیش از هر چیز به بیانات ابواسحاق شاطبی ارجاع داده است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۵؛ ر.ک: شاطبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۹۴)؛ به‌هرحال یکی از ویژگی‌های اساسی روش تفسیر آیت‌الله معرفت، تأکید وی بر تأویل و ضابطه‌مندی آن است.

۱-۵. تفسیر به رأی

تفسیر به رأی، سخن بدون علم درباره قرآن کریم است. تفسیر به رأی، یا با تحمیل رأی بر قرآن است؛ چنان‌که برخی صاحبان مذاهب و بدعت‌گذاران بدان مبادرت می‌کنند، یا با استبداد به رأی است که بر اثر مراجعه‌نکردن به عالمان

با کفایت شکل می‌گیرد. مفسر به رأی، اصول معتبر مقرر شده برای فهم کلام را نادیده می‌گیرد؛ به بیانی دیگر تفسیر به رأی، تأویل قرآن بر وفق رأی و هوای مفسر است که آگاهانه و ناآگاهانه با بسندگی به ظاهر عربی صورت می‌گیرد (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۵۵).

۱-۱-۶. سیاق

سیاق، سمت و سوی خاص سخن است که موجب استحکام و ارتباط اجزای آن با یکدیگر از نظر صدر و ذیل و اثنا است. سیاق مسیر سخن را در جهتی خاص قرار می‌دهد. با سیاق، اهداف تعبیرهای مفردات و جملات و کاربرد مجازی یا حقیقی مشخص می‌شود (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۷۱).

۱-۱-۷. مکی و مدنی

برای تشخیص مکی و مدنی در آیات و سوره‌ها معیارهای سه‌گانه‌ای بر شمرده‌اند:

۱. معیار زمانی: آنچه قبل از هجرت به مدینه نازل شده مکی است. آنچه بعد از آن نازل شده مدنی است.
۲. معیار محلی: آنچه در مکه نازل شده مکی است، هر چند پس از هجرت باشد. آنچه در مدینه نازل شده، مدنی است؛ بر این اساس آیاتی که در غزوات و سفرها نازل شده‌اند، نه مکی و نه مدنی‌اند.
۳. معیار خطابی: آنچه خطاب به اهل مکه است، مکی و آنچه خطاب به اهل مدینه است، مدنی است. در دیدگاه آیت‌الله معرفت این معیار به وسیله اهل تحقیق کنار گذاشته شده است؛ زیرا به‌طور قطعی مخالف با واقع است. ایشان معیار نخست را ارجح و مناسب‌تر از همه معیارها می‌داند (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۱۴).

۱-۲-۲. مبادی تصدیقی (مفروضات)

۱-۲-۱. زبان قرآن

آیت‌الله معرفت بر اساس آیات قرآن (ابراهیم، ۴؛ دخان، ۵۸؛ قمر، ۱۷؛ زمر، ۲۸) زبان قرآن را

زبان قوم عرب پیامبر ﷺ می‌داند. او با استناد به شماری از روایات (ر.ک: کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۹۹؛ شعیری، بی‌تا، ص ۴۱) قرآن را دارای مراتب دانسته و معتقد است، خطاب قرآن کریم عمومی است و هرکس بهره خاص خود را از آن می‌برد (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۵۷).

۲-۲-۱. بافت قرآن (صياغة القرآن)

بافت قرآن از نظر لفظ و معنی دارای ساختی و حیانی، مستقیم و آسمانی است. دلیل آن اطلاق کلام الله بر آن در قرآن (توبه، ۹) و حدیث است (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶)؛ همچنین واژه قرائت و قرآن (اعلی، ۶؛ قیامت، ۱۸-۱۷) بر کلام منتظم دلالت دارد نه بر معانی؛ چنان که تعبیر «قل» در کاربردهای قرآنی به‌طور واضح بر حیانی بودن الفاظ دلالت می‌کند (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۶، ص ۵۸). آیت الله معرفت ادعای برخی مستشرقان که کلام قرآنی را به پیامبر ﷺ نسبت داده‌اند، رد می‌کند. او کاربرد واژه کلام در آیه «و کَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا؛ و سخن گفت با موسی سخن گفتنی» (نساء، ۱۶۴) را یک کاربرد حقیقی می‌داند که اگر کاربرد حقیقی نمی‌بود، آیه با مفعول مطلق تأکید نمی‌کرد و این کاربرد حقیقی ادعای آن مستشرقانی را که کلام قرآنی را به پیامبر ﷺ نسبت داده‌اند، رد می‌کند (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
روال طابع علوم انسانی

۳-۲-۱. اسلوب خطابی قرآن

آیت الله معرفت اسلوب قرآن را خطابی می‌داند. او استدلال می‌کند اسلوب کتابی مستلزم انسجام و هماهنگی میان تعبیرها، جمله‌ها، ترکیب‌ها و نظم‌ی ظاهری در بیان است و لازم است بر موضوع بحث متمرکز باشد، بدون اینکه از بافت کلام خارج شده، به موضوع دیگری توجه کند. به اعتقاد وی اسلوب کتابی جز بر قرائن متصله تکیه نمی‌کند. مخاطب کتاب عموم افراد موجود حاضر و موجود غایب و هر که در عصرهای آینده پدید آید، است. مطالب چنین اسلوبی به صورت قضیه حقیقیه بیان می‌شود که تا

ابد جاری است و هر متصف به موضوع را در برمی گیرد؛ مگر اینکه نوشته به صورت نامه‌های شخصی باشد.

اسلوب خطابی با اسلوب کتابی به‌طور کلی مختلف است؛ زیرا آنچه در اسلوب خطابی مراعات می‌شود حالت مخاطبانی است که حاضرند و به‌طور شفاهی مطالب را دریافت می‌کنند. در این صورت، تکیه بر قرائن منفصل حاضر و قابل مشاهده برای مخاطبان جایز است؛ چنان که التفات و جابه‌جایی و چرخش در لحن بیان در اسلوب خطابی فراوان است. اموری که به‌هیچ‌وجه در اسلوب کتابی علوم و معارف مجاز نیستند. او با ذکر هشت نمونه، بر خطابی بودن اسلوب قرآن تأکید می‌کند. مفاهیم عمومی در این آیات که برآمده از بطون آنها است، در ظاهر تنزیل به موارد خاصی اختصاص یافته است؛ ولی دلالتی عام دارند (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۶۳-۶۹).

۸۳

مُطالعات قرآنی

روش و گرایش آیت‌الله محمدهادی معرفت در التفسیر الأثری الجامع

۱-۲-۴. وحدت موضوعی سوره‌ها

به اعتقاد آیت‌الله معرفت هر سوره بیان اهداف خاصی را هدف گرفته است. مادمی که هدف یادشده تأمین نشود سوره تکمیل نمی‌شود، خواه کوتاه یا بلند؛ به بیانی دیگر به مقتضای حکمت، هر سوره مشتمل بر نظامی خاص است که همه سوره را در برمی‌گیرد. این وضعیت را در اصطلاح وحدت موضوعی سوره نامیده است (ر.ک: معرفت ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۹۴). افزون بر این، ربط و تناسب معنوی میان آیاتی که با یکدیگر نازل شده‌اند یا در یک سوره گردآمده‌اند، از ضرورت‌های ثابت است. این ربط و تناسب، وحدت موضوعی جامع میان اهداف سوره و مقاصد آن است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۲۵۴).

۱-۲-۵. توقیفی بودن نظم و ترتیب آیات

آیت‌الله معرفت، نظم میان آیات هر سوره را طبیعی نامیده و آن را توقیفی محض

می‌داند که از دسترس دیگران خارج است (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۷۴-۷۵؛ برای توضیح بیشتر ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، صص ۲۸۰-۲۸۴). نتیجه پیش‌فرض توقیفی بودن نظم آیات مفروضات دیگری مانند «وحدت موضوع یا غرض هر سوره» و «حجیت سیاق در آیات هر سوره» است (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۷۳).

۱-۲-۶. توقیفی نبودن نظم میان سوره‌ها

آیت‌الله معرفت ترتیب سوره‌ها را توقیفی نمی‌داند، بلکه آن را امری می‌داند که بعد از وفات پیامبر ﷺ و به دست بزرگان صحابه شکل گرفته است. نتیجه این پیش‌فرض آن است که ترتیب سوره‌های هیچ نقشی در سیاق نخواهند داشت (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۷۵).

۱-۲-۷. حجیت ظاهر قرآن

آیت‌الله معرفت ظواهر قرآن را به‌طور قاطع و بدون تردید حجت می‌داند. با این وصف، معتقد است تخصیصات، تقییدات و تفاسیلی از آنچه در قرآن به‌طور اجمال بیان شده وجود دارد که نیازمند سنت شریف در احادیث پیامبر ﷺ و عترت پاک ﷺ او است؛ مطلبی که هر فقیه بلندمرتبه‌ای خواه مجتهد اصولی یا متعبد اخباری به‌طور یکسان بدان ملتزم است (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۷۰).

۱-۲-۸. حجیت سیاق

در دیدگاه آیت‌الله معرفت مستند حجیت سیاق، همان رابطه وثیق میان اجزای کلام است. او که اسلوب قرآن را خطابی می‌داند، با این چالش روبرو می‌شود که به‌رغم نزول قرآن به‌صورت اجزایی متفرق و در مناسبات مختلف وجه حجیت دلالت سیاق در قرآن چیست. پاسخ وی این است که وحدت موضوعی، کلام‌های متنوع قرآن را به یکدیگر پیوند می‌زند. دو مفهوم قرآنی «مثنائی» (زمر، ۲۳) و

«نفی اختلاف» (نساء، ۸۲) آن را تأیید می‌کند. او آغاز تا پایان قرآن را با همه مطالب مختلف و مقاصد متنوع دارای سیاقی واحد می‌داند. همچنین وحدت موضوعی جامع پراکنندگی‌های سوره است. توقیفی بودن ترتیب آیات در سوره‌ها موجب اصالت سیاق در هر سوره است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۷۱-۷۴). سیاق به سه شکل است: «سیاق عام قرآن از آغاز تا پایان»، «سیاق آیات هر سوره»، و «سیاق گروهی از آیات که یکباره نازل شده‌اند». آیت‌الله معرفت هر سه شکل سیاق را حجت می‌داند (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۷۵).

۱-۲-۸-۱. شرط دلالت سیاق

چگونگی دلالت سیاق نقشی تعیین‌کننده در روش مفسر در تفسیر دارد. آیت‌الله معرفت، شرط دلالت سیاق عام در همه آیات قرآن را احراز وحدت جهت میان دو آیه مجمل و مبین می‌داند. در این صورت که یکی می‌تواند دیگری را بیان کند. دلالت سیاق در هر سوره با توجه به وحدت موضوعی سوره‌ها نیازمند هیچ شرطی نیست. دلالت سیاق یک آیه یا مجموعه‌ای از آیات است که با یکدیگر در یک مقطع نازل شده‌اند، مستلزم دو شرط است:

۱. تعاقب نزول همه جملات یک آیه و تتابع نزول آیات به هم پیوسته در یک مجموعه؛
۲. وحدت موضوعی حاکم بر جمله‌ها یا آیاتی که یک‌به‌یک به هم پیوسته‌اند.

۱-۲-۹. لزوم مراجعه به روایات تفسیری

تفسیر با همه انواع آن بی‌نیاز از مراجعه به اصول و اقوال روایی از سلف صالح و دیگر بزرگان نیست. «حتی بعد از پدید آمدن تفسیر اجتهادی، تفسیر اثری از مطمئن‌ترین ارکان تفسیر و بزرگ‌ترین منابع آن در استخراج و تحقیق است» (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۶۵).

۱-۲-۱. صیانت قرآن از تحریف

از دیدگاه آیت‌الله معرفت قرآن کریم از هرگونه تحریف مصون است. وی اخبار دال بر تحریف را بدون سند می‌داند (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۹۴). آیات قرآن نیز بر صیانت قرآن از تحریف دالت دارند، مانند «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ؛ باطل نه از مقابل و نه از پشت سر به آن راه ندارد؛ نازل شده‌ای از جانب حکیمی ستوده» (فصلت، ۴۲)؛ و «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ همانا ما خود ذکر را نازل کردیم و همانا ما آن را به تحقیق حفظ کننده‌ایم» (حجر، ۹).

۳-۱. منابع تفسیر

۱-۳-۱. قرآن منبع اول تفسیر

اولین منبع تفسیر قرآن خود قرآن است؛ زیرا لازم است متشابهات قرآن به محکمت آن بازگردانده شود؛ چرا که محکمت ام‌الکتاب‌اند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین فرمود: برخی از قرآن به واسطه برخی دیگر سخن می‌گویند و برخی از آن بر برخی دیگر گواهی می‌دهد (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳؛ معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۲۱).

۲-۳-۱. حجیت و اعتبار مشروط تفسیر صحابی

در دیدگاه آیت‌الله معرفت تفسیر صحابی دارای ارزشی بالا در اعتبار علمی و عملی است و حجیت و اعتبار آن مشروط به دو شرط است: یکم: صحت اسناد به آنان؛ دوم: در طراز اعلی بودن صحابی. او معتقد به اعتبار قول صحابی در عرصه تفسیر است (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۱۰۱ و ۱۰۵)؛ برخلاف علامه طباطبایی که در اعتبار قول صحابی و تابعی در عرصه تفسیر تردید دارد؛ چرا که دلیلی خاص بر اعتبار آن نیافته است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۶۱). آیت‌الله معرفت به نحو ایجابی شماری از صحابی مورد قبول امیرالمؤمنین علیه السلام را یادآور می‌شود (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۱۰۱-۱۰۵) و

برای خروج امثال معاویه از عنوان صحابی به خبری به نقل از امام رضا استناد می‌کند؛ چنان‌که با استناد به حدیثی به نقل از امیرالمؤمنین صحابیانی را که بدعت‌گذاری کرده‌اند یا بدعت‌گذاران را پناه داده‌اند از غیر آن جدا می‌سازد (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۰۴).

۱-۳-۳. عدم حجیت اقوال تابعین و درعین‌حال، لزوم توجه به آن

تعبّد به اقوال تابعین و تسلیم‌شدن در برابر آرای آنها پذیرفتنی نیست؛ باین‌حال آیت‌الله معرفت توجه به اقوال تابعین را با هدف تحقیق و رسیدن به هدف مطلوب شایسته می‌داند (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۲۱).

۱-۳-۴. حجیت خبر متواتر یا محفوف به دلایل یقینی

خبر متواتر یا محفوف به دلایل یقینی یکی از منابع اصلی تفسیر است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۲۲).

۱-۳-۵. حجیت مشروط خبر واحد

خبر واحد به شرط برخورداری از مستند قابل اتکا، وثاقت راوی، هماهنگی با عقل و عدم مخالفت با ظاهر کتاب می‌تواند حجیت باشد (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۲۳)؛ چنان‌که به‌طور متواتر از ائمه اطهار لزوم پذیرش آنچه افراد موثق روایت می‌کنند، وارد شده است (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۲۴). عمل مترتب بر خبر ثقه، اخبار از آنها [در غیر تعبدیات] را تجویز می‌کند (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۲۷). منشأ حجیت خبر واحد ثقه امضای سیره عقلا است. سیره‌ای که منحصر در اخبار مربوط به عمل نیست، بلکه عقلا خبر واحد ثقه را در هر امر عملی یا نظری می‌پذیرند (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۲۸).

۱-۳-۶. جایگاه روایات اسباب نزول در فهم قرآن و ملاک‌های صحت آن

روایات اسباب نزول در فهم معانی قرآن کریم جایگاه ارزشمندی دارد. بیشتر

روایات اسباب نزول افزون بر ابتلای به وضع و دس و تزویر دارای ضعف و جهالت و ارسال است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۷۶). این امر سبب نمی‌شود جایگاه این روایات نادیده گرفته شود. به نظر ایشان شناخت شأن نزول نقشی مهم در فهم معانی قرآن و حل معضلات تفسیر و برطرف‌سازی ابهام از آیه دارد (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵۶). اهمیت روایات اسباب نزول تا آنجا است که برخی شناخت تفسیر آیه را بدون شناخت سبب نزول آن ناممکن دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۲۱؛ ر.ک: واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۰). از جمله ملاک‌های صحت اسباب نزول، صحت سند یا استفاضه یا تواتر نقل آن است. مخالف نبودن با ضروری دین یا متنافر نبودن با بدیهی عقل رشدیافته ملاک مؤثری است که برای گواهی بر صدق حدیث با هر اسنادی کافی است (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۶۰).

۴-۱. حروف مقطعه

حروف مقطعه اشاراتی رمزی درباره اسراری میان خدا و پیامبر ﷺ است. جز امینان وحی هیچ کس به این رمزها راه ندارد. با این استدلال که اگر اطلاع بر آنها برای غیر امینان وحی ممکن بود، اساساً نیازی به رمزگذاری نبود (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۹۲).

۵-۱. نسخ

آیت‌الله معرفت در التفسیر الأثر الجامع، وجود نسخ در قرآن را انکار کرده و آن را بی‌فایده می‌داند. وی می‌گوید: «نسخ امری است که تصدیقش نمی‌کنیم و هیچ گواهی در کتاب خدا برای آن نیست. کتاب خدا دستوری عام و ابدی است. معنی ندارد در آن آیه‌ای باشد که مفاد آن منسوخ شده باشد که فایده‌ای جز قرائت نداشته باشد. بیشتر آنچه به‌عنوان گواه بر نسخ ذکر کرده‌اند، همان نسخ در اصطلاح قدیم است؛ ولی نسخ در اصطلاح جدید هیچ گواه شایسته اعتمادی ندارد» (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۴۸۷). این پیش‌فرض سبب می‌شود فهم مفسر در مورد آیاتی که منسوخ و ناسخ به شمار آمده‌اند، با قائلان به نسخ متفاوت شود.

۱-۶. تحدی (اعجاز)

آیت‌الله معرفت تحدی قرآن را مرحله‌ای و سیر آنها را از اشدّ به اخفّ می‌داند (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۹۰). براساس این پیش‌فرض، زمینه داوری درباره ترتیب نزول آیات و سوره‌ها برای ایشان فراهم شده است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۹۰).

۲. روش‌های آسیب‌زدایی از تفسیر اثری

هر دو روش تفسیر اثری (نقلی) و نظری (اجتهادی) در معرض آسیب است. نخستین آسیب روش تفسیر نقلی نفوذ اسرائیلیات به اخبار تفسیری است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۲۶ و ۱۲۹). مهم‌ترین آسیب تفسیر نظری احتمال تفسیر به رأی است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۲۹). سه آسیب اساسی تفسیر نقلی عبارت‌اند از: ۱. ضعف اسناد؛ ۲. وضع در تفسیر؛ ۳. اسرائیلیات (رک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۱۳۰-۱۸۰؛ همچنین رک: معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، صص ۲۹-۳۱۱). وی با برشمردن بیست نوع حدیث موضوع (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۱۳۴-۱۴۱) به تفصیل درباره دو نوع وضع حدیث درباره «فضائل سور» و «خواص قرآن» بحث کرده است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۱۵۱-۱۷۲). او در معرض آلودگی بودن صافی و زلال حدیث را سبب هشجاری عالمان امت نسبت به مرزبندی میان اخبار صحیح و ضعیف می‌داند (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۱۹).

آیت‌الله معرفت برخلاف برخی متأخران، بی‌آنکه اهمیت اسناد حدیث را نادیده بگیرد، توجه به محتوای حدیث را مقدم بر توجه به اسناد آن می‌داند (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۱۹). دلیل او بر این اولویت، حدیث متواتری از پیامبر ﷺ و برخی احادیث دیگر است (رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۶۲ و ۶۹). روش‌های آسیب‌زدایی از تفسیر اثری عبارت است از:

۱. عرضه روایات به قرآن؛

۲. عرضه به سنت؛

۳. عرضه به محکّمات دین؛

۴. عرضه به ضرورات عقل؛

۵. بررسی اسناد.

برخی مستندات و سازوکارهای «عرضه روایات به قرآن» و نیز «عرضه آن به سنت» بیان شده است؛ ولی سه روش دیگر بدون توضیح است. در میان سه روش وانهاده شده «عرضه به ضرورات عقل» از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۲-۱. عرضه روایات به قرآن

از پیامبر به تواتر نقل شده است: هر آنچه از من به شما رسید، اگر موافق کتاب خدا است، من آن را گفته‌ام و آنچه مخالف کتاب خدا است، من نگفته‌ام (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۹). مبحث تعادل و تراجیح در اصول فقه پیشینه عرضه روایات بر قرآن است. در این مبحث، حدیث موافق کتاب خدا بر مخالف مقدم است. مخالفت با قرآن سه قسم است: «تباين»، «عموم من وجه»، و «عموم مطلق». مخالفت از قسم عموم مطلق، ذاتی نیست؛ زیرا امکان جمع عرفی (تخصیص) در چنین مخالفتی وجود دارد. برای نمونه با اختصاص حکم آیه «وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ» همسرانشان سزاوارترند به بازگرداندن آنان [زنان طلاق داده شده] (بقره، ۲۲۸) به طلاق رجعی، آیه تخصیص زده شده است (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۳۲، ص ۱۷۹). همچنین مخالفت عموم من وجه نیز قابل جمع عرفی است؛ مثلاً آیه «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ؛ راهی برای مؤاخذه نیکوکاران نیست» (توبه، ۹۱) با حدیث «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» [در اسلام] ضرردیدن و ضرررساندن نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸۰) تخصیص زده می‌شود. مانند پزشکی که برای درمان بیمار همه سعی خود را کرده است، ولی بدون عمد سبب مرگ یا نقصی در او شود. در این صورت، آیه ضمان خسارت را از پزشک به این علت که محسن و درصدد درمان بیمار بوده، نفی می‌کند؛ ولی براساس حدیث لاضرر پزشک خاطی ضامن است؛ هرچند گناهکار نیست. آیت‌الله معرفت دروغ‌بستن واضح و صریح بر پیامبر و معصومان را نامعقول می‌داند. مراد از مخالفت با قرآن به معنی مابینت آن با هسته درونی دین و روح شریعت است (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۲۲۲-۲۲۴).

در روایاتِ عرض، مفاهیم «موافقت» (ر.ک: کلینی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۹)، «مخالفت» (ر.ک: کلینی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۹)، «مشابهت» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶۴)، «یافتن شاهی از قرآن» و «وجدان در قرآن» (ر.ک: کلینی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۶۹ و ۶۰)، به کار رفته است. مراد از موافقت و مخالفت با قرآن کریم جوهری است، نه حرفی [لفظی]. یعنی مخالفت با مجموعه قوانین و احکام و سنت‌های آن (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۲۵). مشابهت به معنی مسانخت، سازگاری و وفاق و به معنی موافقت با درون و معنای آن است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۲۶). با توجه به آنچه بیان شد، آیت‌الله معرفت به بیان معنی موافقت و مخالفت روایت با قرآن بسنده کرده و به‌رغم عنوانی که برای بحث قرار داده و سؤالی که در عنوان مطرح کرده است - «کیف العرض علی کتاب‌الله؟» - (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۲۲) سازوکار و کیفیت عرضه حدیث به قرآن را به‌روشنی بیان نکرده است.

۲-۲. عرضه روایات به سنت

موافقت ذاتی مضمون حدیث با اصول اسلام و مخالف نبودن آن با محکومات سنت، یکی از ملاک‌های صحت روایت است. آیت‌الله معرفت روش شیخ الطائفه شیخ طوسی در کتاب استبصار را روشی صحیح و پایدار برای ارزیابی حدیث می‌داند (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۲۲۸-۲۲۹). شیخ طوسی خبر را به متواتر و واحد تقسیم کرده است. خبر واحد نیز دو دسته است: خبر واحد محفوف به قرینه‌های قطعی که آن را به متواتر ملحق می‌کند و خبر واحد خالی از قرینه قطعی. جز اینکه خبر واحد بدون قرینه را افراد موثق نقل کرده باشند و چیزی که سبب سستی آن شود، در آن وجود نداشته باشد. در این صورت، براساس اصول شیعه، عمل به آن واجب است. قرینه‌ها فراوان‌اند. چهار قرینه قابل توجه عبارت‌اند از: ۱. تطابق با دلیل و مقتضای عقل؛ ۲. مطابقت با ظاهر قرآن؛ ۳. مطابقت با سنت مقطوع؛ ۴. مطابقت با اجماع مسلمانان یا اجماع طائفه. شیخ طوسی قراین یادشده را سبب خارج شدن آن از آحاد و داخل شدن آن در اخبار

معلوم و واجب‌العمل می‌داند؛ مگر اینکه فتوا برخلاف آن شکل گرفته باشد (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، صص ۴-۳).

آیت‌الله معرفت التزام به خبر واحد محفوف به قرینه‌های صادق در بیانات شیخ طوسی را عمل به علم به شمار می‌آورد. اولین و سزاوارترین قرائن «مطابقت با دلایل عقل» و «موافقت با دلایل کتاب» به شکل دلایل روشن و مخفی (ظاهر کتاب و باطن آن) است. مطلب قابل توجه در سخن شیخ طوسی در نظر وی آن است که او خبر واحد نقل شده در کتاب‌های شیعه را زمانی که خبر دیگری با آن معارضه نکند، داخل در باب اجماع بر نقل آن قرار داده و عمل به آن را در صورتی که فتاوا با آن معارضه نکند، لازم می‌داند. آیت‌الله معرفت به شیفستگی، روش شیخ طوسی در تعامل با خبر واحد محفوف به قرینه‌های قطعی را این‌گونه توصیف می‌کند: این همان قول فصل درباره اعتبار اخبار آحاد در همه ساحت‌های دین است؛ در اصول و فروع، مادامی است که اثر سستی در آن آشکار نشود که سبب آلودگی آن گردد. مثل زمانی که آورنده خبر معروف به فسق بوده باشد؛ زیرا خدای تعالی فرمود: «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا؛ اگر فاسقی با خبری نزد شما آمد [درباره خبر او] تحقیق کنید» (حجرات، ۶). آیت‌الله معرفت تخصیص آیه به خبر فاسق را دلیل بر ترخیص در خبر غیر فاسق می‌داند (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، صص ۲۲۹-۲۳۰).

۳. روش دستیابی به معنی آیات در التفسیر الأثری الجامع

آیت‌الله معرفت روش تفسیر خود را در سه فرایند زیر خلاصه کرده است:
یکم: ارائه آیه براساس دلالت درونی در چارچوب خود آیه و سپس آیات دیگر؛ اگر این دلایل کافی نبود، برای رفع ابهام و مشکلات قرائن و شواهد در آیات دیگر دنبال می‌شود؛ زیرا «بعضی از قرآن با بعضی از آن به سخن می‌آید و بعضی بر بعضی دیگر گواهی می‌دهد». به سخن در آوردن قرآن نیازمند بیان و تفصیل از خارج و آیات دیگری است که دلالتی آشکار دارند یا حدیثی روشن و صحیح و مستند به سلف صلاح یا شاهد نزولی متین و محکم یا هر آنچه که در فهم معانی قرآن دخالت داشته باشد. یعنی اصول و قواعدی که

مبانی تفسیر و اصول ذاتی آن نامیده شده است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۴۷).

دوم: مرور روایات مأثور و در درجه اول روایات مأثور از پیامبر ﷺ سپس صحابه و تابعین و در رأس آنها ائمه طاهرین علیهم السلام. او با استناد به آیه ۴۴ نحل یادآور می‌شود چون پیامبر از جانب خدای تعالی موظف به تبیین و تفهیم مبهمات و مجملات قرآن به مردم شده و ایشان به وظیفه عمل کرده، معانی را روشن ساخته و مشکلات را حل و از آن به‌طور کامل ابهام‌زدایی کرده است؛ سپس به نقش صحابه و تابعان و مقدم بر آنان به عترت طاهره علیهم السلام اشاره می‌کند که مراجع فهم معانی قرآن پس از جد خود رسول خدا ﷺ هستند (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۴۸).

سوم: بررسی روایات یادشده براساس اصول صحیح با عرضه مشابهاات بر محکمت کتاب و سنت همراه با استناد به حجت‌های عقلی؛ چنان‌که از پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل شده است: هرگاه حدیث از من به شما رسید، آن را بر کتاب خدا و حجت عقل‌هایتان عرضه کنید؛ اگر با آن دو موافق بود، قبول کنید و اگر نبود آن را به پهنای دیوار بزنید (ر.ک: هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۷، ص ۲۴۶).

۴. بررسی آماری گرایش آیت‌الله معرفت در تفسیر

مفسران معاصر مطالب تفسیری خود را ذیل عنوان‌هایی اصلی و فرعی سامان می‌دهند. شمار قابل توجهی از عنوان‌های التفسیر الأثری به‌طور مستقیم متن آیه یا بخشی از آیات است که آنها را در زمره تفسیر به حساب آورده‌ایم. نیمی از عنوان‌ها به مطالبی قابل بحث در آیه اختصاص یافته که منعکس‌کننده گرایش ایشان است.

۴-۱. نکاتی درباره بررسی آماری عنوان‌ها

لازم است نکاتی را پیش از بررسی آماری عنوان‌ها در نظر بگیریم. این نکات به شرح ذیل است:

یکم: تعاریف متعددی درباره گرایش‌های تفسیر مطرح شده است (برای مثال ر.ک: علوی‌مهر، ۱۳۸۱، ص ۲۱۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۲۸). مراد از گرایش‌های تفسیری

شاخه‌هایی از علوم است که فراوانی بیشتری در تفسیر دارند (قربانزاده و رستمی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۱).
دوم: طبعاً اگر آیت‌الله معرفت افزون بر حمد و بقره همه سوره‌ها یا شمار بیشتری از سوره‌ها را تفسیر می‌کرد، عنوان‌های فراوان‌تری تعیین می‌شد و جامعه آماری مناسب‌تری شکل می‌گرفت. با این وصف، بررسی ۷۳۸ عنوان موجود گرایش مفسر را نشان خواهد داد.

سوم: مطالب پر حجم، منظم و ساختاریافته درباره اخلاق و فقه، وجهی از گرایش وی در این تفسیر را نشان می‌دهد. اگر ایشان به جای سال‌ها تدریس و تدریس در فقه به تعلّم و تعلیم در فلسفه یا عرفان پرداخته بود، مباحث فقهی موجود در تفسیر وی جای خود را به مباحث فلسفی و عرفانی می‌داد.

چهارم: در سوره حمد ذیل عنوان‌های اصلی عنوان‌هایی فرعی تعیین شده است؛ همچنین مطالبی مجزا از هم در ذیل یک عنوان بیان شده که آنها نیز به منزله عنوان‌های فرعی بررسی شده‌اند. تحلیل آماری سوره حمد به‌طور کامل در جدول شماره ۱ آمده است تا به فصول مدلل بررسی نشان داده شود. به لحاظ فراوانی عنوان‌ها در تفسیر سوره بقره صرفاً به عنوان‌های اصلی و فرعی مفسر بسنده شده و فقط جمع‌بندی آن در جدول شماره ۲ آمده است.

پنجم: عنوان‌ها بر اساس ماهیت علمی آنها بررسی می‌شود. برای این منظور، مؤلفه‌های ده‌گانه‌ای در نظر گرفته شده است. این مؤلفه‌ها بیان‌کننده خاستگاه و کارکرد علمی هر عنوان است. مؤلفه‌های یادشده عبارت‌اند از: ۱. علوم قرآنی، ۲. تفسیر، ۳. ادبیات، ۴. لغت، ۵. فقه، ۶. اخلاق، ۷. کلام، ۸. تاریخ، ۹. فقه الحدیث، ۱۰. علوم انسانی.

ششم: از آنجا که صرفاً عنوان‌ها بررسی شده‌اند، دقت بررسی صرفاً محدود به تحلیل عنوان‌ها است.

هفتم: ممکن است خاستگاه و کارکردهای علمی عنوان‌ها متعدد باشد. برای مثال جزئیّت بسمله در سوره‌ها هم خاستگاهی علوم قرآنی و هم کارکردی فقهی دارد. بدین معنی که اگر بسمله جزو سوره‌های قرآن و از جمله جزو سوره حمد باشد، ذکر آن در نمازها واجب خواهد بود. در غیر این صورت، ذکر آن لازم نیست.

۲-۴. جدول‌های بررسی آماری عنوان‌های تفسیر اثری در سوره حمد

فهرست سوره حمد در قالب ۸ عنوان اصلی بیان شده است. برخی عنوان‌های اصلی دارای مطالبی فرعی است.

مؤلفه‌های تحلیل / ماهیت علمی سرفصل‌ها										ردیف	
علوم انسانی	فقه الحدیث	تاریخ	کلام	اخلاق	فقه	لغت	ادبیات	تفسیر	علوم قرآنی		عنوان‌های اصلی و فرعی سوره حمد
									۱	محل نزول و شمار آیات	۱
				۱					۱	روایات وارد شده در فضایل سوره	۲
									۱	۳.۱. قرائت «الحمد لله»	۳
									۱	۳.۲. قرائت مدی حمد به وسیله رسول خدا	۴
									۱	۳.۳. قرائت مدی اجزای بسمله	۵
									۱	۳.۴. وقف در هر آیه	۶
									۱	۳.۵. قرائت «مالک يوم الدين»	۷

مؤلفه‌های تحلیل / ماهیت علمی سرفصل‌ها											
ردیف	عنوان‌های اصلی و فرعی سوره حمد	علوم قرآنی	تفسیر	ادبیات	لغت	فقه	اخلاق	کلام	تاریخ	فقه الحدیث	علوم انسانی
۸	۳.۶. قرائت «ملیک یوم الدین»	۱									
۹	۳.۷. قرائت «مالک» در روایت قراء هفتگانه	۱									
۱۰	۳.۸. قرائت «اهدنا الصراط المستقیم»	۱									
۱۱	۳.۹. قرائت «صراط الذین.. و لا الضالین»	۱									
۱۲	۳.۱۰. اللغه و الأدب				۱						
۱۳	در باره نظم بدیع و اسلوب برتر سوره			۱							

مؤلفه‌های تحلیل / ماهیت علمی سرفصل‌ها

ردیف	عنوان‌های اصلی و فرعی سوره حمد	علوم قرآنی	تفسیر	ادبیات	لغت	فقه	اخلاق	کلام	تاریخ	فقه الحدیث	علوم انسانی
۱۴	توصیه عمومی به استعاذه						۱				
۱۵	و جوب یا استحباب استعاذه هنگام تلاوت قرآن					۱	۱				
۱۶	محل استعاذه در نماز					۱					
۱۷	إسرار یا إجهار استعاذه										
۱۸	إسرار یا إجهار استعاذه در تلاوت قرآن					۱					
۱۹	صورت استعاذه					۱					

مؤلفه‌های تحلیل / ماهیت علمی سرفصل‌ها											
ردیف	عنوان‌های اصلی و فرعی سوره حمد	علوم قرآنی	تفسیر	ادبیات	لغت	فقه	اخلاق	کلام	تاریخ	فقه الحدیث	علوم انسانی
۲۰	تغییر عبارت با محافظت بر اصل معنی					۱					
۲۱	فضل بسمله	۱					۱				
۲۲	آیه بودن بسمله در حمد	۱									
۲۳	تفسیر سوره در پرتو روایات صحیح بسمله آغاز هر سوره جز بسمله برائت	۱									
۲۴	بسمله سرآغاز هر کتاب						۱				
۲۵	تفسیر بسمله		۱								
۲۶	تفسیر										

مؤلفه‌های تحلیل / ماهیت علمی سرفصل‌ها

ردیف	عنوان‌های اصلی و فرعی سوره حمد	علوم قرآنی	تفسیر	ادبیات	لغت	فقه	اخلاق	کلام	تاریخ	فقه الحدیث	علوم انسانی
	رمزی و اشاری بسمله										
۲۷	در باره اجهار بسمله					۱					
۲۸	روایات إسرار یا ترک إسرار بسمله					۱					
۲۹	در باره کتابت بسمله		۱								
۳۰	تفسیر سوره در پرتو روایات صحیح «الحمد لله»										
۳۱	تفسیر «العالمین»		۱								
۳۲	تفسیر «مالک یوم الدین»		۱								

مؤلفه‌های تحلیل / ماهیت علمی سرفصل‌ها											
ردیف	عنوان‌های اصلی و فرعی سوره حمد	علوم قرآنی	تفسیر	ادبیات	لغت	فقه	اخلاق	کلام	تاریخ	فقه الحدیث	علوم انسانی
۳۳	تفسیر «ایاک نعبد و ایاک نستعین»		۱								
۳۴	تفسیر «اهدنا الصراط المستقیم»		۱								
۳۵	تفسیر «صراط الذین انعمت.. و لا الضالین		۱								
۳۶	در باره ذکر آمین					۱					
جمع			۱۵	۷	۱	۹	۴				

۲-۲-۴. تجمیع داده‌های آماری

مجموع عنوان‌های مطالب در تفسیر دو سوره حمد (۳۶ عنوان) و بقره (۷۰۲ عنوان)

۷۳۸ عنوان است.

بررسی آماری تفسیر الجامع الأثری براساس مؤلفه‌های تحلیل (خاستگاه و کارکردهای علمی عنوان‌ها)									
علوم قرآنی	تفسیر	ادبیات	لغت	فقه	اخلاق	کلام	تاریخ	فقه الحدیث	علوم انسانی
سوره حمد									
۱۵	۷	۱	۱	۹	۴	۰	۰	۰	۰
سوره بقره									
۲۶	۳۹۳	۷	۱۰	۱۲۲	۱۴۴	۵۰	۲۱	۱۴	۹
جمع	۴۰۰	۸	۱۱	۱۳۱	۱۴۸	۵۰	۲۱	۱۴	۹

۲-۲-۴. فراوانی داده‌های آماری

جدول زیر فراوانی هر یک از مباحث علمی در تفسیر اثری جامع را براساس عنوان

تعیین شده به وسیله نویسنده نشان می‌دهد.

عنوان علمی	علوم انسانی	فقه الحدیث	تاریخ	کلام	اخلاق	فقه	لغت	ادبیات	تفسیر قرآنی	علوم
میزان فراوانی	۹	۱۴	۲۱	۵۰	۱۴۸	۱۳۱	۱۱	۸	۴۰۰	۴۱

۲-۲-۴. گرایش اخلاقی و فقهی آیت‌الله معرفت براساس تحلیل داده‌ها

داده‌های آماری نشان می‌دهد که پس از عنوان‌هایی که به‌طور مستقیم به تفسیر

اختصاص داده شده است، به ترتیب عنوان‌های مربوط به اخلاق (۱۴۸) و فقه (۱۳۱) از تفاوت معنی‌داری در مقایسه با دیگر عنوان‌ها برخوردارند. پس از این دو، عنوان‌های کلامی (۵۰) و علوم قرآنی (۴۱) چنین‌اند؛ بنابراین فراوانی عنوان‌ها و مباحث اخلاقی و فقهی و پس از آن مباحث کلامی و علوم قرآنی، گرایش مفسر در ۶ جلد منتشر شده از التفسیر الأثری الجامع را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

از مطالبی که گفته شد معلوم شد آیت‌الله معرفت در کتاب التفسیر الأثری الجامع پیش‌فرض‌هایی در چند عرصه دارد که بدون توجه به این پیش‌فرض‌ها نمی‌توان درباره تفسیر وی قضاوت کرد. یکی در مبادی تصویری (مفاهیم) از قبیل: ۱. تفسیر؛ ۲. ظاهر؛ ۳. بطن؛ ۴. تأویل؛ ۵. تفسیر به رأی؛ ۶. سیاق؛ ۷. مکی و مدنی. دوم در مبادی تصدیقی (مفروضات)؛ سوم پیش‌فرض‌هایی مربوط به منابع تفسیر.

همچنین از مطالب پیش‌گفته روشن شد آیت‌الله معرفت پنج سازوکار برای آسیب‌زدایی از تفسیر اثری نام می‌برد که به‌طور مشخص به بیان دو سازوکار می‌پردازد: عرضه روایات به قرآن، و عرضه روایات به سنت.

نیز مشخص گردید آیت‌الله معرفت برای دستیابی به معنای آیات در تفسیر اثری جامع سه فرایند در نظر گرفته است: یکم: ارائه آیه براساس دلالت درونی در چارچوب خود آیه و آیات دیگر؛ دوم: مرور روایات مأثور؛ سوم: بررسی روایات یادشده براساس اصول صحیح یا عرضه تشابهات بر محک‌های کتاب و سنت همراه با استناد به حجت‌های عقلی.

گرایش تفسیری آیت‌الله معرفت در شش جلد التفسیر الأثری الجامع، اول اخلاقی (با ۱۴۸ عنوان) سپس فقهی (۱۳۱ عنوان) است. پس از این دو، می‌توان گرایش ایشان را کلامی (۵۰ عنوان) و علوم قرآنی (۴۱ عنوان) دانست.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه (للصباحي صالح)

۱. ابن عیاش، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی (محقق و مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی). تهران: المطبعة العلمية.
۲. حرعاملی، محمد. (۱۴۱۴ق). هداية الأمة إلى أحكام الأئمة^۸. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۳. رجایی، طاهره. (۱۳۸۸). روش آیت الله معرفت در التفسیر الاثری الجامع، فصلنامه پژوهش های قرآنی، ۱۵(۶۲)، صص ۳۵۲-۳۸۳.
۴. رضائی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). منطق تفسیر قرآن. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۱ق). الإیتقان فی علوم القرآن (محقق: فواز احمد زمرلی). بیروت: دارالکتب العربی.
۶. شاطبی، ابراهیم بن موسی. (بی تا). الموافقات. القاهرة: مکتبه و مطبعه محمدعلی صبیح و اولاده.
۷. شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الأخبار. نجف: مطبعة حیدریة.
۸. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). الأمالی. تهران: کتابچی.
۹. صفّار، محمد بن الحسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد. قم: مکتبه آية الله المرعشي النجفي.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۹۰ق). الاستبصار فیما اختلف فيه من الأخبار (محقق و مصحح: حسن الموسوی خراسان). تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۲. علوی مهر، حسین. (۱۳۸۱). روش ها و گرایش های تفسیری. قم: انتشارات اسوه.

۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین (چاپ دوم). قم: انتشارات هجرت.
۱۴. قربانزاده، محمد؛ رستمی، محمدحسن. (۱۳۹۱). گستره گرایش‌های تفسیری. نشریه آموزه‌های قرآنی (۱۵)، صص ۱۵۵-۱۷۲.
۱۵. کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد (محقق و مصحح: عبدالله نعمت). قم: دارالزخائر.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۷. محبوبی، مصطفی. (۱۳۸۸). روش‌شناسی التفسیر الاثری الجامع (استاد راهنما: محسن قاسم‌پور، استاد مشاور: پرویز رستگار). وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی [کارشناسی ارشد].
۱۸. مظفر، محمدرضا. (بی تا). المنطق. قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۱۹. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۸). التمهید فی علوم القرآن. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۲۰. معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۸ق). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب. مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الإسلامیة.
۲۱. معرفت، محمدهادی. (۱۴۲۹ق). التفسیر الاثری الجامع. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۲۲. نجفی، محمدحسن. (۱۹۸۱م). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۳. واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۱ق). اسباب نزول القرآن (محقق: کمال بسیونی زغلول). بیروت: دالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
۲۴. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله. (۱۴۰۰ق). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (مترجم: حسن حسن زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، مصحح: ابراهیم میانجی). تهران: مکتبه الإسلامیة.

References

- * The Holy Qur'an
- * *Nahj al-Balaghah*. (For Sobhi Saleh)
1. Alawi Mehr, H. (1381 AP). *Interpretive methods and tendencies*. Qom: Osweh Publications. [In Persian]
 2. Farahidi, K. (1410 AH). *Kitab al-Ain*. (2nd ed.). Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
 3. Hashemi Khoei, M. H. (1400 AH). *Minhaj al-Bara'a fi Sharh Nahj al-Balaghah*. (Hassanzadeh Amoli, H., & Kamare'ei. Tehran: Maktabah al-Islamiyah. [In Arabic]
 4. Hor Ameli, M. (1414 AH). *Hidayah al-Ummah ila Ahkam al-A'edah*. Mashhad: Majma' al-Bohouth al-Islamiyah. [In Arabic]
 5. Ibn Ayyash, M. (1380 AH). *Tafsir al-Ayashi*. (Rasooli Mahallati, S. H, Ed.). Tehran: Al-Matba'ah al-Ilmiyah. [In Arabic]
 6. Karajaki, M. (1410 AH). *Kanz al-Fawa'id*. (Nemat, A, Ed.). Qom: Dar al-Zakhaer. [In Arabic]
 7. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi*. (Ghaffari, A. A., & Akhundi, M, Ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
 8. Ma'arefat, M. H. (1388 AP). *Al-Tamhid fi Ulum al-Qur'an*. Qom: Al-Tamhid Publishing Cultural Institute. [In Persian]
 9. Ma'arefat, M. H. (1418 AH). *Al-Tafsir al-Mufaseroun fi Tawbah al-Qoshayb*. Mashhad: Al-Jame'ah al-Razaviyah le al-Ulum al-Islamiyah. [In Arabic]
 10. Ma'arefat, M. H. (1429 AH). *Al-Tafsir al-Athari al-Jame'*. Qom: Al-Tamhid Publishing Cultural Institute. [In Arabic]
 11. Mahboubi, M. (1388 AP). *Methodology of the book "al-Tafsir al-Athari al-Jame'*. (Supervisor: Mohsen Qasempour, Consultant: Parviz Rastegar). Ministry of Science, Research and Technology, Kashan University, Faculty of Humanities [M.A.]. [In Persian]

12. Mozaffar, M. R. (n.d.). *Al-Mantiq*. Qom: Mu'asisah al-Nashr al-Islami al-Tabi'ah le Jama'at al-Mudarisin.
13. Najafi, M. H. (1981). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'e al-Islam*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
14. Qorbanzadeh, M., & Rostami, M. H. (1391 AP). The range of interpretive tendencies. *Journal of Quranic Teachings* (15), pp. 155-172. [In Persian]
15. Rajaei, T. (1388 AP). The method of Ayatollah Maaref in the book "Al-Tafsir al-Athari al-Jame'", *Journal of Quranic Researches*, 15(62), pp. 352-383. [In Persian]
16. Rezaei Esfahani, M. A. (1387 AP). *Logic of Quran Interpretation*. Qom: Al-Mustafa International University. [In Persian]
17. Saduq, M. (1376 AP). *Al-Amali*. Tehran: Ketabchi. [In Persian]
18. Saffar, M. (1404 AH). *Basa'ir al-Darajat al-Kubra fi Fadha'il Ale Mohammad*. Qom: Library of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi. [In Arabic]
19. Sha'eeri, M. (n.d.). *Jame' al-Akhbar*. Najaf: Haidari Press.
20. Shatebi, I. (n.d.). *Al-Muwafiqat*. Cairo: Maktabah va Matba'ah Mohammad Ali Sabih va Awladih.
21. Soyuti, A. (1421 AH). *Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an*. (Zamrli, F. A, Ed.). Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]
22. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. (5th ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
23. Tusi, M. (1390 AH). *Al-Istibsar fima al-Ikhtalif fihe min al-Akhbar*. (Al-Musawi Khersan, H, Ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
24. Vahedi, A. (1411 AH). *Reasons for the revelation of the Qur'an*. (Basyouni Zaqloul, K, Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. Publications of Muhammad Ali Beizun. [In Arabic]